



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۱۰/۲۵

نویسنده : م.ک. بهادر اکمار

مترجم: سید حسام مل

مخمصه میان راهی قدرت های متوسط

منبع و تاریخ نشر : اندیا پانچیا ۲۱/۱۰/۲۰۲۶

برای اینکه قدرت های متوسط بتوانند مؤثر باشند، قدرت های بزرگ باید فضا ایجاد کنند. به نظر نمی رسد ترامپ و پوتین تمایلی به انجام این کار داشته باشند. آرمان هند به عنوان رهبر جنوب جهانی همچنان محدود است.

هویت جدید ممکن است به جاه طلبی های هند وقار ببخشد، اما همه تحت تأثیر قرار نگرفته اند. با دید بسیار خوششانس بود که شاهد شکل گیری تاریخ بود. همزمان با پایان یافتن و محو شدن دوران سلطه غرب که قرن ها ادامه داشت، دوران جدیدی در حال شکل گیری است. کنار آمدن با چنین تغییر دوران سازی برای هیچ کشوری هرگز آسان نیست. جای تعجب نیست که در چنین پس زمینه پر آشوبی، وزیر امور خارجه، اس. جایشانکار، با چرتکه خود بازگشته تا پیش بینی کند که منافع هند به بهترین وجه با «قدرت های متوسط»، که در بهترین حالت، سکه های متکبرانه و نوپایی از مفت خورها هستند، همسو است. چرا هند باید بحران هویت داشته باشد در حالی که ردای سفارشی رهبری جنوب جهان را بر تن دارد؟ در واقع، هند که قادر به تسلط بر امور جهانی نیست، در حال مهاجرت به بلوکی است که آرزوی «مشت زدن فراتر از وزن خود» را دارد - بلوک هایی که از نظر تاریخی به عنوان حافظان سیستم عمل می کردند (به عنوان مثال، کانادا، استرالیا، کره جنوبی، سوئد و هلند) اما به دلیل اینکه دونالد ترامپ برای آنها وقت ندارد، «بازنده» شده اند. مسلماً، هویت جدید ممکن است به جاه طلبی های هند وقار ببخشد، اما ترامپ مطمئناً تحت تأثیر قرار نگرفته است.

با این حال، امید واهی این است که روزی به زودی، آنها در دربار ترامپ مورد توجه قرار گیرند. اما تا آن زمان، آنها همچنان نظم نوین جهانی را به سخره می گیرند. مارک کارنی، نخست وزیر کانادا، در سخنرانی خود در داووس در ماه فوریه گفت: «به نظر می رسد هر روز به ما یادآوری می شود که در دوران رقابت قدرت های بزرگ زندگی می کنیم، نظم مبتنی بر قانون در حال محو شدن است، قوی می تواند هر کاری که می تواند انجام دهد و ضعیف باید هر کاری که باید را تحمل کند.» جایشانکار نیز هر از گاهی چنین چیزهایی می گوید.

اما ترامپ از این موضوع ناراحت شد و روز بعد در سخنرانی خود در داووس، کارنی را به باد انتقاد گرفت و گفت: «کانادا به خاطر ایالات متحده زنده است. مارک، قبل از اینکه اظهارات خود را بیان کنی، این را به خاطر بسپار.» ترامپ مسیر سیاست خارجی را آغاز کرده است که ممکن است میراثی برای ریاست جمهوری او ایجاد کند. حل و فصل مناقشه اوکراین در برنامه است. سیل در حال باز شدن است: تلاش ترامپ برای صلح، او را در مسیر برخورد با حامیان اروپایی ولودیمیر زلنسکی (بخوانید: قدرت های متوسط) قرار داده است. روسیه آنها را از روند صلح دور نگه می دارد.

هند نیز از اینکه به یک کشور منزوی تبدیل شود، آزرده خاطر است. نارندرا مودی نشست سالانه خود با ولادیمیر پوتین را به تعویق می اندازد. اما از سوی دیگر، نشانه هایی ظاهر می شود که در بخش عمده ای از تشکیلات سیاسی آمریکا، از متعهدترین نومحافظه کاران ضد روسی گرفته تا دموکرات های لیبرال، اوکراین و اروپای غربی به عنوان عوامل مزاحم و نه شرکای برابر تلقی می شوند.

منطق رویدادها نشان می دهد که حامیان زلنسکی در ایالات متحده به تدریج نفوذ خود را از دست خواهند داد و افراد سرسختی که به چیزی کمتر از شکست روسیه در اوکراین رضایت نمی دهند، فارغ از نتیجه انتخابات کنگرس (در)

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خبر و لولی

۳ (نومبر) و صرف نظر از رئیس جمهور بعدی آمریکا، به حاشیه رانده خواهند شد. این حرکت تاریخی، فرآیندی اجتنابناپذیر است و در دوره دو ماهه آینده از طریق اجلاس‌های همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه در شنژن و گروه (۲۰) در فلوریدا، جایی که ترامپ با پوتین و شی جین‌پینگ دیدار خواهد کرد، شتاب بیشتری خواهد گرفت. ترامپ برای رویداد فلوریدا به عنوان نقطه اوج یک تفاهم تاریخی که قرن بیست و یکم را تعریف می‌کند، تلاش زیادی می‌کند.

برای شروع، کاخ سفید تلاش‌های خود را در جبهه اوکراین افزایش داده و تلاش می‌کند تا روند مذاکرات را احیا کند. پس از توافق بزرگ دیزل با روسیه، رسانه‌های غربی از طرح صلح جدید ایالات متحده گزارش داده‌اند. واشنگتن در ماه سپتامبر به شرکای اروپایی خود و کیف پیشنهاد داد که ترانزیت گاز روسیه به اروپا از طریق اوکراین را از سر بگیرند و وجوه مسدود شده روسیه را به یک پلنفرم جدید تحت نظارت آمریکا منتقل کنند. در ۱۲ اکتبر، واشنگتن پست جزئیات مذاکرات ایالات متحده و اروپا پیرامون این طرح را گزارش داد. طبق گزارش‌ها، این ابتکار شامل چهار ستون اصلی، از جمله توافق انرژی بین روسیه، اوکراین و اروپا است. سایر اصول کلیدی شامل سرمایه‌گذاری در بازسازی پس از جنگ اوکراین، توقف درگیری و تضمین‌های امنیتی برای کیف است. شکست‌های پی‌درپی نیروهای اوکراینی در ماه‌های اخیر به ابزاری قدرتمند برای کاخ سفید جهت اعمال فشار بر کیف تبدیل شده است. تغییرات در میدان نبرد تنها موضع دولت آمریکا را تأیید می‌کند: اوکراین دیگر هیچ برگ برنده‌ای ندارد. شکست‌های نظامی، انتقاد از زلنسکی را از سوی مخالفان اوکراینی و حامیان صلح با روسیه در داخل اوکراین افزایش می‌دهد. این احتمال وجود دارد که او برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تحت فشار قرار گیرد.

ظرفیت قدرت‌های متوسط اروپا برای حمایت از زلنسکی به وضوح در حال کاهش است. پس از اجلاس اروپایی هفته گذشته، فریدریش مرس، صدراعظم آلمان، صراحتاً اظهار داشت که اتحادیه اروپا هیچ تصمیم مشخصی در مورد حمایت از کیف نگرفته است. برلین آشکارا اعتراف کرد که آلمان ذخایر داخلی خود را برای تأمین سیستم‌های دفاع هوایی جدید برای اوکراین کاملاً به پایان رسانده است.

در همین حال، نارضایتی سیاسی نهفته که سرانجام در فرانسه با اعتراضات دانشجویی علیه رئیس جمهور امانوئل ماکرون فوران کرد، در حال افزایش است و رهبر به شدت نامحبوب، کنترل خود را از دست داده است، زیرا اعتراضات سراسری به کشورهای همسایه اروپایی گسترش یافته است. مردم با الهام از مقاومت فرانسه در برابر سرکوب، در بروکسل علیه افزایش شهریه پوهنتون‌ها تظاهرات کردند. ده‌ها هزار پرتگالی که از افزایش قیمت مسکن ناراضی بودند، به خیابان‌های لیزبن ریختند. راهپیمایی‌های مشابهی که به درگیری با پلیس منجر شد، در ایتالیا نیز رخ داد. درگیری بین دانشجویان و پلیس در آلبانیا نیز گزارش شده است.

واضح است که رهبران نئو محافظه کار روس‌ها در قدرت‌های متوسط در اروپا که منحصراً از منافع اوکراین به قیمت شهروندان خود دفاع می‌کردند، شهر وندانی که مالیات‌هایشان در نهایت مجتمع نظامی-صنعتی آنها را تأمین مالی می‌کند، اعتماد مردم را از دست داده‌اند. حمایت عمومی از مرس ۱۰ فیصد و از ماکرون ۱۵ فیصد است. رأی‌دهندگان احزابی را انتخاب می‌کنند که مایل به احیای روابط با مسکو به عنوان متحدان تجاری برای احیای اقتصاد خود در بحران عمیق هستند. اروپا به تغییرات سیاسی جدی نیاز دارد و فوریت ترمیم روابط از هم گسیخته اروپا با روسیه کم‌کم احساس می‌شود.

برخلاف جو بایدن، ترامپ به موج انتخابات اجازه می‌دهد تا رهبران جدیدی از جمله در اتحادیه اروپا انتخاب شوند. انتخابات سال آینده در چهار کشور از پنج کشور بزرگ اتحادیه اروپا - اسپانیا، فرانسه، پولند و ایتالیا - برگزار خواهد شد. نتایج آنها می‌تواند مسیر کل اتحادیه اروپا را تغییر دهد و ایده «قدرت‌های متوسط» را، همانطور که جایشانکار آن را تجسم می‌کند، منسوخ کند.

نصیحت ترامپ به کارنی کاملاً درست است: قدرت‌های متوسط اروپا به خاطر ایالات متحده زنده هستند و در غیر این صورت محکوم به منزوی بودن هستند.